

شهید محمدرضا رزمی



از بشارت علی
سازمان جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	محمد
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۱/۰۷
محل شهادت	گرخه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	جزیره خارک

زندگینامه

محمدرضا در یکم فروردین ۱۳۴۴ در خانواده ای مذهبی و متوسط در جزیره خارگ به دنیا آمد. پدرش محمد و مادرش سکینه او را در دامن پرمهر و محبت خویش پرورش دادند.

دوران ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت و به خوبی در خارگ به پایان رساند. وی از هوش سرشار و استعداد خوبی برخوردار بود و در دوران تحصیل یکی از بهترین دانش آموزان مدرسه محسوب می شد. بین او و معلمان رابطه صمیمانه و دوستانه ای برقرار بود و در همه حال احترام دوستان و معلمان خود را داشت. گاهی عملی از او سر نزد که موجب کدورت و ناراحتی دیگران و اطرافیان گردد.

محمدرضا با آنکه در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی نوجوانی بیش نبود ولی تا آنجا که می توانست با دیگر دوستان و بزرگترها در راهپیمایی و تظاهرات انقلابی شرکت می نمود. او پس از تاسیس و شکل گیری بسیج در خارگ بلافاصله در آن ثبت نام نمود و به فراگیری آموزش های نظامی پرداخت و روز به روز خود را بیشتر آماده دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی نمود. او مسئولیت خود و راه درازی را که در پیش داشت به خوبی حس می کرد. وقتی در کلاس سوم راهنمایی درس می خواند با پایان درس و مدرسه از طریق بسیج خارگ در مورخه ۱۰/۳/۶۰ به جبهه آبادان (ایستگاه ۷) اعزام شد. پس از ۲ ماه و ۵ روز به خارگ برگشت تا درس را در اول دبیرستان رشته علوم انسانی آغاز نماید.

محمد رضا مجدداً در تاریخ ۱۳/۱۱/۶۰ به جبهه شوش اعزام گردید سپس به جبهه غرب رفت و در حمله سیاه کوه شرکت نمود. او در این نبرد رشادت ها و دلاوری های بی شماری از خود نشان داد.

محمد رضا سرانجام در تاریخ ۷/۱/۶۱ خلعت زیبای شهادت بر تن پوشید و بر اثر اصابت ترکش خمپاره به صورت و سینه اش به آرزوی دیرینه اش رسید. پیکر مطهرش در تاریخ ۲۰/۱/۶۰ با شکوه تمام و در میان حزن و اندوه فروان دوستان و آشنایان و مردم شریف و انقلابی خارگ تا گلزار شهدای امامزاده میر محمد تشیع و به خاک سپرده شد. تا مزارش زیارتگاه عاشقان و دردمندان باشد.

وصیت نامه

پشت آغازی که اقیانوسی شد (وصیت نامه شهید)
بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ستایش بر خدای که مرا موفق ساخت و به جنگ حق علیه باطل فرستاد و امید از لطف ایزد منان دارم که گناهان گذشته ام را ببخشد و لطفش را شامل حالم گرداند و امیدوارم شهادت آبرومندانه‌ای نصیبم گرداند که جبران این همه زحمات مردم بشود، که این همه ما را با کمکهای بی دریغشان شرمنده کرده اند.

الان که در سنگر نشسته ام و وصیت نامه خود را می نویسم، چند ساعت دیگر بیشتر برای حمله باقی نمانده است و دارم با عجله این را تکمیل می کنم.

مادرم، کوه باش و چون کوه استقامت کن. لحظه ای از نام و یاد خدا غافل مباش.

خواهرم، زینب وار با نامالایمات دست و پنجه نرم کن. برادرانم خدا یار و پشتیبانتان.

و ما را از دعا گویی فراموش نکنید.

دوستانم خدا حافظ

البته خیلی حرفهای زیادی داشتم

محمد رضا رزمی



سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر